

سردبیر

نگاهی به اقتصاد

در سرمقاله شماره گذشته ویژگیهای بودجه سال ۱۳۷۲ به اجمال مورد بحث قرار گرفت و گفته شد که حذف بودجه ارزی و حرکت جدی به سمت یکسان سازی نرخ ارز، متبلور شدن ارقام واقعی درآمدها و هزینهها، تعادل بودجه و بالاخره فراهم آمدن امکانات لازم برای نظارت بیشتر مجلس بر عملکرد مالی شرکتهای دولتی از مشخصات بارز قانون بودجه سال ۱۳۷۲ است.

اکنون که چند ماهی از شروع به عملیات اجرایی این بودجه سپری گردیده است، جای دارد اثرات اولیه آنرا تا آنجا که اطلاعات موجود کفافی دهد بررسی نموده و نگاهی کلی بر اوضاع اقتصادی کشور در این دوره داشته باشیم.

بطور کلی همانگونه که قبلاً نیز گفتیم عمده ترین هدف از یکسان سازی نرخ ارز و برقراری نرخ تعادلی برای آن، رفع اختلالات اقتصادی ناشی از چندگانگی و غیر واقعی بودن نرخ ارز بوده و انتظاری رفت که با این اقدام اولاً تولیدکنندگان علائق صحیح اقتصادی را در مسورد اینکه چه کالائی را تولید کنند و در چه زمینه هائی سرمایه گذاری نموده و کدام تکنولوژی را انتخاب کنند دریافت دارند و عدم کارائیها و همچنین سرمایه گذاریهای ناموجه نتواند خود را در پهن نرخهای

سوسید ی ارز پنهان دارد. ثانیاً مصرف کنندگان نیز میتوانند یاد ریافت علامت صحیح ساختار مصرف خود را منطبق با امکانات واقعی اقتصاد کشور تنظیم نمایند و ثالثاً تولیدات داخلی قدرت رقابت بیشتری را با کالاهای وارداتی بدست آورده و استفاده از تولیدات داخلی تشویق گردد و در ابعاد موجبات گسترش صادرات غیرنفتی که برای اجرای برنامه های اقتصادی کشور از ضرورتی بسیار حیاتی برخوردار است، فراهم شود.

از سوی دیگری از نتایج بسیار مهم یکسان سازی نرخ ارز و فروش ارز حاصل از صادرات نفت به نرخ تعادلی، کسب درآمد واقعی برای دولت و تامین تعادل بودجه است. بعبارت دیگر با اجرای این سیاست درآمدهای ناشی از تفاوت نرخ ارز که قبلاً نصیب تعداد معدودی از افراد جامعه می شد، عملاً عاید دولت گردیده و می تواند به مصرف اجرای طرحهای عمرانی در جهت سازندگی و آبادانی کشور، ایجاد اشتغال و همچنین بهبود وضعیت آموزش و بهداشت و بالاخره رفاه کارکنان دولت برسد. بدین ترتیب با توزیع مجدد این منابع اکثریت عظیمی از جامعه از آن برخوردار گردید و توزیع درآمد ها عادلانه تر شود.

یکی دیگر از نتایج ضمنی تخصیص منابع ارزی بانرخ تعادلی کمک به تامین تعادل در موازنه پرداختها و فراهم آمدن امکانات صرفه جویی ارزی است که با توجه به کمیابی ارز در کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است. البته این هدف در صورتی تحقق خواهد یافت که در تخصیص منابع ریالی نیز انضباط کامل برقرار باشد و بویژه منابع ریالی بودجه دولت به ترتیبی تخصیص داده شود که تقاضا برای ارز تحت کنترل قرار گیرد. با توجه به این ضرورت در قانون بودجه سال ۱۳۷۲ مکانیزمی تعبیه شده است که هدف فوق را تحقق می بخشد. بدین معنی که هنگام تنظیم بودجه، اعتبارات ریالی تخصیص داده شده به دستگاههای دولتی برای تامین هزینه های ارزی آنها بانرخ هر دلار برابر

یکهزارریال محاسبه و منظور گردد و به موازات آن در تبصره ۲۲ این قانون ردیف مشخصی تعیین شده است که بخشی از تفاوت های میان نرخ بکهزارریالی و نرخ تعادلی ارزی برای مصارفی که با پیشنهاد سازمان برنامه بودجه به تصویب هیات وزیران می رسد و پوشش می دهد - باین مکانیزم تقاضای بخش دولتی برای ارز باغیور اقلتر تعیین شده تحت بررسی دقیق قرار گرفته و قابل کنترل خواهد بود - در مورد بخش غیردولتی نیز کنترل تقاضا برای ارز طبقا از طریق مکانیزمهای سیاستهای پولی امکان پذیر است که بعد از در مورد آن بحث خواهد شد -

باین ویژگیها، طرح یکسان سازی نرخ ارز عملا با شروع به اجرای قانون بودجه سال ۱۳۷۲ از ابتدای این سال به مورد اجرا گذارده شد - در شروع سال، در برخی از دست اندرکاران این نگرانی وجود داشت که بلافاصله پس از اعلام رسمی نرخ واحد ارز، بازار ارزی خارج از شبکه واکنش شدیدی نشان داده و نرخ آن بشدت نوسان کند اما عملا چنین اتفاقی نیفتاد و بازار ارزی با آرامش کامل با این تصمیم مواجه شد - اهم دلایل این وضعیت را می توان در عوامل ذیلا خلاصه کرد :

۱ - بخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که اینگونه تصمیمات را یک شبه اتخاذ و اجرا می نمایند در کشور ما اجرای سیاستهای یکسان سازی نرخ ارز به صورت کامل تا درجی انجام گرفته است - بدین معنی که از چند سال پیش با برقراری سه نوع نرخ ارز و انتقال تدریجی بخشی از مصارف ارزی از نرخهای پائین به نرخهای بالا عملا بخش عمده ای از این سیاستها اجرا گردیده و مرحله آخر آن در واقع بخش چندانی عمده ای از طرح را تشکیل نمی داد - بویژه آنکه این مرحله عمده تا مصارف ارزی بخش دولتی را شامل می شد و قسمت عمده ای از مصارف بخش غیردولتی عملا در دوره های قبل مشمول ارز شناور گردیده بود - بعلاوه با توجه به بحث ها و تحلیل های مفصلی که در طول سال ۱۳۷۱ و بویژه پس از تنظیم لایحه بودجه در تمامی رسانه های گروهی ارائه شد، آمادگی های لازم در عوامل اقتصادی

برای مقابله با آثار ناشی از اجرای این طرح فراهم گردد .

۲ - انتخاب نرخ صحیح نیز یکی دیگر از عواملی بود که از نوسان بازار ارزی جلوگیری کرد . بطور کلی تصمیم گیری در مورد نرخ واحد ارزی از حساسترین مراحل اجرای سیاستهای یکسان سازی نرخ ارز است - البته معمولاً در اینگونه موارد نرخهای رایج در بازاری می تواند شاخص مناسبی برای راهنمایی مسئولین باشد . انتخاب نرخ بالاتر از این نرخ به سبب غیر واقعی بودن و دامن زدن بر انتظارات مردم ، به صلاح نبود و نرخهای پائین تر از این نرخ نیز بخطر صد مائی که به انگیزه های صاد راتی می زند قابل انتخاب نیست . به علاوه حمایت از نرخهای پائین مستلزم به مصرف رساندن بخشی از ذخایر ارزی بانک مرکزی است که در شرایط محدودیت امکانات ارزی بهیچوجه قابل تحمل نمی باشد . بهمین جهت پس از بررسیهای لازم تصمیم گرفته شد که نرخ واحد ارز در حدی بسیار نزدیک به نرخ بازار تعیین گردد . این نرخ که در تاریخ هفتم فروردین ماه اعلام گردید در واقع ادامه نرخ شناور قبلی بود و مانع از آزاد فقط ۳ درصد فاصله داشت .

۳ - سومین عامل در ثبات بازار ارزی طی چند ماه اول سال جاری سیاستهای پولی بود که از همان ابتدای سال به مورد اجرا گذارده شد . در این مورد با توجه به خطراتی که گسترش بی رویه حجم پول و نقدینگی در چنین شرایطی بدنبال دارد ، در تنظیم سیاستهای پولی سال ۱۳۷۲ ضرورت اعمال کنترل های لازم بر نقدینگی مورد توجه بود و از ابتدای سال کوشش شد تا با کنترل پایه پولی از رشد نامتناسب نقدینگی جلوگیری شود - البته عوامل دیگری نظیر دخالت های محدود بانک مرکزی در بازارها از طریق فروشهای نقدی ارزی برای مصارف متعارف خدماتی و بالمال جذب نقدینگی نیز به سهم خود در جلوگیری از نوسانات بازار ارزی و افزایش نرخ ارز در این بازار موثر بوده است .

بررسی روند نرخ ارز در بازار ارزی خارج از شبکه بانکی نشان می دهد که این نرخ طی پنج

ماه اول سال نوسان فوق العاده اندکی داشته است. این نرخ از ۱۵۹۶ ریال برای هر دلار در اوایلین روزگشایش بازارهای ارزی (هفتم فروردین) آغاز شده و پس از پیرش نسبتا محدودی که تنها در سه روز بهت و دوام تابیست و چهارم فروردین ماه داشته و به بالای ۱۷۰۰ ریال رسیده است از تاریخ ۲۵ فروردین روندی نزولی آغاز کرده و در اواخر فروردین تقریبا بر نرخ رسمی اعلام شده توسط بانک مرکزی منطبق گردیده است از آن پس نیز به پیروی از روند نرخ رسمی، روند کاهشی ملایمی داشته است بطوریکه هم اکنون پس از گذشت بیش از پنج ماه نرخ ارز در سطح رقم ابتدای سال قرارداد ۰ نکته بسیار مهم اینکه بازار ارزی خارج از شبکه سیستم بانکی از اواخر فروردین ماه تحت کنترل بانک مرکزی قرار گرفته و نرخ ارز در این بازار به خلاف گذشته کاملا از نرخهای رسمی اعلام شده تبعیت نموده است.

بی تردید ادامه این ثبات مستلزم ادامه سیاستهای جنبی و تکمیلی و به ویژه سیاستهای مناسب پولی است. در این زمینه همانگونه که قبلا نیز ذکر گردید، در شرایط اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی و به ویژه اصلاح نرخ ارز و قیمت ها سیاستهای پولی می تواند نقش اصلی را در هدایت حرکات اقتصادی و جلوگیری از عوارض جنبی سیاستهای تعدیل اقتصادی از جمله تورم، بالا رفتن نرخ ارز، کسری موازنه پرداختها و تحلیل ذخایر ارزی کشور داشته باشد.

با اصلاح نرخ ارز طبیعی است که تقاضا برای نقدینگی به منظور گشایش اعتبارات اسنادی افزایش می یابد و بینگانههای اقتصادی که متاسفانه در حال حاضر عموما از بیس اندازهای داخل بنگاه خود تهی بوده و قادر به تجهیز منابع از بازارهای پولی و سرمایه ای خارج از سیستم بانکی هم نیستند، بانکها را تحت فشار قرار می دهند. در چنین شرایطی اگر اجازه داده شود که تمامی این تقاضاها از طریق تسهیلات سیستم بانکی تامین و تفاوت های ریالی ناشی از تغییر نرخ ارز کلا جبران گردد، نه تنها

صرفه جوئیهای مورد انتظار از سیاستهای یکسان سازی نرخ ارزبکلی منتفی خواهد بود بلکه اقتصاد کشور در یک دورباطل تورمی گرفتارآمد و تجربه تلخ کشورهای که چنین راهی را پیموده اند در کشور مائکرا خواهد شد .

البته اعمال کنترل بر نقد بینگی بهیچوجه به مفهوم اتخاذ یک سیاست انقباضی نیست و هرگز در نظر نبود است که یک سیاست محدود کنند ه شد ید در مورد تسهیلات سیستم بانکی اعمال شود . در سیاستهای پولی سال ۱۳۷۲ هدف رشد نقد بینگی معادل ۲۵ درصد تعیین گرد ید است که در آن گسترش تسهیلات بانکی به میزانی که بتواند نیازهای بخشهای تولیدی را در حد متعارف و قابل قبول تامین کند و در عین حال لطمه شد ید ی بر ثبات اقتصاد ی و تعداد لهای داخلی و خارجی کشور وارد نیاید ، ملحوظ نظر بود است . بایک چنین رشدی در نقد بینگی ، واحد های تولیدی کارآمد و موسساتی که به سهولت قادر به تطبیق خود با شرایط جدید هستند ، دسترسی کافی به منابع مالی خواهند داشت و بامشکل عمد ه ای از نظر کمبود نقد بینگی مواجه نخواهند بود لکن موسسات غیر کارآمد که دچار مشکلات ساختاری بوده و عدم کارآئی آنها تاکنون در پیس ارزهای سوسید و سایر امتیازات پنهان مانده است ، طبعاً دچار مشکل خواهند بود . بر اساس تجربه چند ماهه اول سال جاری اینگونه موسسات که بد لایل مختلف از جمله نازل بودن کیفیت کالا یا بالا بودن قیمت تمام شده کالاهایشان قادر به رقابت در بازار نبود و با حجم عظیمی از کالاهای به فروش نرفته مواجه گرد ید ه اند ، دچار مشکل کمبود نقد بینگی شده اند . کارخانه های زیادی هستند که از ضعف مدیریت ، ضعف تکنولوژی ، زیاد ی تعداد کارکنان ، فرسودگی و استهلاک ماشین آلات و ۰۰۰۰ رنج می برند که ریشه این مشکلات به چند دهه قبل برمی گردد اما بهر صورت کارآ نیستند و لذا مسایل ساختاری آنها در نیازهای آنها به منابع مالی انعکاس یافته است . این در حالی است که بر اساس آخرین آمار موجود در چهار ماهه

اول سال جاری حجم تسهیلات بانکها به بخش غیردولتی از افزایش بسیار شدیدی به میزان ۳-۵۴ میلیارد ریال یا ۱۲/۹ درصد برخوردار بود و مانده آن به ۲۶۶۴۴ میلیارد ریال در پایان تیرماه رسیده است. این میزان افزایش بیش از ۲ برابر رقم مشابه در چهارماهه اول سال ۱۳۲۱ (۱۴۴۲ میلیارد ریال) است. طی همین مدت به حجم سپرده های اشخاص نزد بانکها حدود ۲۱۰۰ میلیارد ریال افزوده گردیده و بطوریکه ملاحظه می شود بانکها تمامی آنچه را که به عنوان منابع سپرده ای جمع آوری کرده اند به مصرف اعطای تسهیلات رسانده اند. لازم به ذکر است که این میزان رشد تسهیلات بانکی بیش از ارقام پیش بینی شده در ابتدای سال بود و در صورت ادامه این روند کنترل نقدینگی بامشکل مواجه خواهد بود. بررسی روند نقدینگی در چهارماهه اول سال جاری حاکی است که علیرغم کنترل نقدینگی در یکی دو ماهه اول سال، رشد نقدینگی از خرداد ماه به بعد روبه افزایش نهاد و چنانچه همین روند ادامه دهد مشکل بتوان رشد آنرا در حد ۲۵ درصد تعیین شده بعنوان هدف سیاست پولی محدود نمود.

رشد نقدینگی در هرماه نسبت به ماه قبل

(درصد)

سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	چهارماهه
۱۳۲۱	- ۱/۲	۱/۲	۱/۸	۲/۸	۴/۲
۱۳۲۲	- ۲/۳	۱/۵	۳/۴	۴/۳	۶/۹

ادامه رشد نقدینگی باروند فوق، خطرات عظیمی را برای اقتصاد کشور بدنبال خواهد داشت

که عمدتاً ترین آن ابتلاء به يك تورم لجام گسیخته است که باتوجه به شرایط خاص اقتصاد ایسران ،
بمراتب زیانبارتر از سایر عوارض اقتصاد ی است . سهم بالای حقوق بگیران و صاحبان درآمد های ثابت
در اشتغال ، چسبندگی درآمد ها بعلمت عدم استفاده از روشهای شاخص بندی و فقدان يك نظام
تامین اجتماعی مناسب برای حمایت از اقشار آسیب پذیر در مجموع شرایطی را بوجود آورده است که
بافزایش نرخ تورم توزیع درآمد ها عادلانه تر شده ، طبقه متوسط از میان رفته و طبقات پائین تحت
فشار شدید قرار می گیرند .

بررسی روند تغییرات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نشان می دهد که طی پنج ماهه

اول سال جاری این شاخص روندی صعودی داشته است .

تغییرات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نسبت به ماه مشابه سال قبل

(درصد)

سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	متوسط پنج ماهه
۱۳۷۱	۲۸/۲	۲۴/۳	۲۶/۰	۲۳/۸	۲۱/۵	۲۴/۷
۱۳۷۲	۱۵/۷	۱۸/۲	۱۸/۸	۱۹/۶	۲۲/۶	۱۹/۰

ادامه روند فزاینده شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به ترتیب فوق قطعاً موجب تورمی

خارج از تحمل اقتصاد ایران رافراهم خواهد آورد و این وضعیت اقدامات همه جانبه ای را برای توقف

روند فوق طلب می نماید .

در این مورد همانگونه که قبلاً نیز ذکر کردید موثرترین اقدامات توسل به سیاستهای پولی

و اعمال کنترل قوی تر بر رشد نقد ینگی است، هر چند که با این سیاست‌ها معدود ی از ینگاه‌های اقتصادی ضعیف د چار مشکل کمبود نقد ینگی خواهند شد .

د ر تحلیل نهایی لازم به ذکر است که با توجه به اطلاعات موجود د مورد ماه‌های اولیه سال جاری، طرح یکسان سازی نرخ ارز که یکی از مهمترین مراحل برنامه های تعدیل اقتصاد ی است بدون آنکه نوسانی راد ر بازار ارزی بوجود آورد از ابتدا ی سال جاری به مورد اجرا گذارد شد. با اجرای این طرح مشکلات ساختاری برخی از ینگاه‌های اقتصادی غیرکارآمد متبلور گردید و فشار شدید تقاضا برای تسهیلات موجب رشد فزاینده نقد ینگی شد . این وضعیت با توجه به روند فزاینده قیمت‌ها ضرورت اتکا، پیش از پیش به سیاست‌های پولی ر مطرح نمود و وایجاب می نماید که علیرغم مشکلات محدود ی که کمبود نقد ینگی برای برخی از واحدهای اقتصاد ی بوجود می آورد، با استفاده از کلیه ابزارهای سیاست‌های پولی، نقد ینگی جامعه تحت کنترل کامل قرار گیرد . البته باید این کنترل در حدی باشد که محدودیتی ر ابرای رشد اقتصاد ی فراهم نیآورد . رشد اقتصادی سال جاری با توجه به فسروض مختلف بین ۳ تا ۵ درصد پیش بینی شده است که د صورت حصول، رشد قابل توجهی د سطح جهانی خواهد بود . رشد اقتصاد ی سال ۱۳۷۱ نیز ۳/۶ درصد برآورد گردیده است و ین ترتیب با توجه به عملکرد سالهای ۷۰-۶۸ متوسط رشد اقتصاد ی د ر طول چهار سال برنامه به ۸ درصد رسال خواهد رسید که کاملاً منطبق با اهداف برنامه پنج ساله اول است . عملکرد بخش واقعی اقتصاد د ر سال ۱۳۷۱ راد ر مباحث بعدی همین شماره ملاحظه خواهند فرمود .